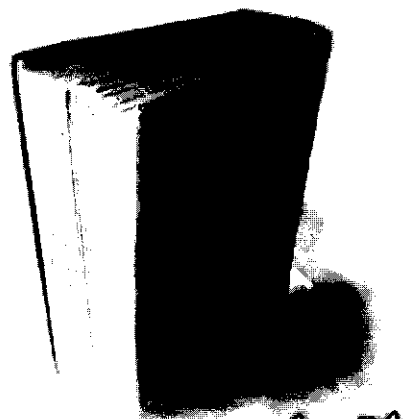


فصل اول توطئه



اتحاد و همبستگی در

جواد خرمی

بزرگ‌ترین جمعیتها [یی که بر حق هستند]، باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی پرهیزید که انسان تنها بهره‌شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) دعوت کند، او را بکشید؛ هر چند که زیر این عمامه من باشد.»

از این جملات به خوبی ضرورت

ضرورت اتحاد و همبستگی قرآن این کتاب تدوین شده الهی، هم ادیان را صلابی وحدت و اتحاد می‌زند^۱ و هم مسلمانان را فرمان صریح همبستگی و همدلی می‌دهد که همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و از تفرقه و جدایی و ناهماهنگی پرهیز کنید^۲

علی علیه السلام با الهام از پیام قرآن می‌فرماید: «وَالزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»^۳ و همواره با

۱. آل عمران / ۶۴

۲. همان / ۱۰۳

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات پارسایان، دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷.

اتحاد و همدلی در جامعه استفاده می شود و تا حدی حضرت بر این امر تأکید می کند که می فرماید کسانی که شعار تفرقه و جدایی سر می دهند، آنها را به قتل برسانید.

در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةَ عُقْدَةٍ وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ»^۱ همانا شیطان راههای خود را به شما آسان جلوه می دهد تا گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، پراکندگی را به شما بدهد و در پراکندگی شما را دچار فتنه گرداند.»

ارزش اتحاد و همدلی

حضرت امیر مؤمنان علی عليه السلام برای تحکیم اتحاد و همدلی در جامعه ارزش آن را در نهج البلاغه بیان کرده است. در یک جا می فرماید: «أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَتَلَمْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدِ امْتَنَّ عَلَيَّ جَمَاعَةً هَذِهِ الْأُمَّةَ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنَفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَغْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا

قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ نَمْرٍ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛ آگاه باشید که شما دست از رشته اطاعت کشیدید و با احکام جاهلیت، دژ محکم الهی را که بر شما قرار داده شده بود، در هم شکستید؛ در حالی که خدای منزه بر جماعت این امت منت گذارده بود در آنچه بین آنها منعقد کرده، از ریسمان این الفت که در سایه آن زندگی کنند و در پناه آن به نعمتی برسند که هیچ یک از مخلوقین نتوانند ارزش آن را بشناسند؛ زیرا که آن از هر بهایی گران قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود.»

این جملات، گویا امروز و برای جامعه ما نازل شده است. راستی کجا رفت آن همدلیهای اول انقلاب و جنگ؟ بیاییم دوباره آن ارزشها را زنده کنیم و نعمت بزرگ الهی را دوباره به جامعه خویش برگردانیم.

بیا تا شمع هم پروانه هم یار هم باشیم در این گلشن بهار هم، گل هم، خار هم باشیم جو باران نبی در «صفه» توحید بنشینیم صفای هم، گل هم، باغ هم، گلزار هم باشیم

۱. همان، خ ۱۲۱.

۲. همان، خ ۱۹۲.

دلها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد.»

دو قبیله اوس و خزرج نام داشت
یک ز دیگر جان خون آشام داشت
کینه‌های کهنه‌شان از مصطفی

محو شد در نور اسلام و صفا
اولاً اخوان شدند آن دشمنان

همچو اعداد عنب در بوستان...
همچو خاک مفترق در رهگذر

یک سبوشان کرد دست کوزه‌گر^۴
در ارزش وحدت و همدلی همین
بس که دستاورد بزرگ بعثت و هدیه
بزرگ الهی به امت اسلامی توسط
پیغمبر رحمت ﷺ بود.

تلاش امام در تحقق وحدت

امام علی ﷺ کسی نبود که درباره ارزش و ضرورت وحدت و همبستگی سخن بگوید، ولی خود به دنبال آن نباشد. هیچ کس مثل علی ﷺ در راه وحدت جامعه مسلمین تلاش و فداکاری نکرده است. بگذارید عنان

و گاه امام علی ﷺ برای تبیین ارزش اتحاد و همدلی، آن را بزرگ‌ترین رهاورد بعثت می‌داند و در موارد مختلفی آن را گوشزد می‌کند^۱ و از جمله می‌فرماید: «...دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الصَّغَائِنَ وَأَطْفَأَ بِهِ النَّوَائِرَ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا وَفَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا أَعَزَّ بِهِ الدُّلَّةَ وَأَذَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ»^۲ خدا به برکت او (پیامبر اکرم ﷺ) کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی را خاموش ساخت. با او میان دلها الفت و مهربانی ایجاد کرد و نزدیکانی را از هم دور ساخت. انسانهای خوار و ذلیل در پرتو او عزت یافتند و عزیزانی [خود سر] ذلیل شدند.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «فَصَدَعَ بِمَا أَمَرَ بِهِ وَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ وَرَتَّقَ بِهِ الْفَتْقَ وَأَلْفَ بِهِ الشَّخْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ الْوَاعِرَةِ فِي الصُّدُورِ وَ الصَّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ»^۳ [پیامبر اکرم ﷺ] آنچه را که به او ابلاغ شد، آشکار کرد و پیامهای پروردگارش را رساند. خداوند به وسیله او شکافها [ی اجتماعی] را به وحدت اصلاح کرد و فاصله را به هم پیوند داد و پس از آنکه آتش دشمنی و کینه‌های برافروخته در

۱. ر.ک: همان، خ ۱ و ۱۹۲.

۲. همان، خ ۹۶.

۳. همان، خ ۲۳۱.

۴. مثنوی معنوی، دفتر دوم، صص ۳۷۶-۳۷۷.

قوت و قدرت خود را که تازه داشتند به جهانیان نشان می‌دادند، مدیون وحدت صفوف و اتفاق کلمه خود بودند. موفقیتهای محیر العقول خود را در سالهای بعد نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند. علی القاعده علی علیه السلام به خاطر همین مصلحت، سکوت و مدارا کرد.

اما مگر باور کردنی است که جوانی سی و سه ساله دورنگری و اخلاص را تا آنجا رسانده باشد و تا آن حد بر نفس خویش مسلط و نسبت به اسلام وفادار باشد که به خاطر اسلام راهی را انتخاب کند که پایانش محرومیت و خرد شدن خود اوست! بلی باور کردنی است. شخصیت خارق العاده علی علیه السلام در چنین مواقعی روشن می‌گردد. تنها حدس نیست، علی علیه السلام شخصاً در این موضوع بحث کرده و با کمال صراحت علت را که جز علاقه به عدم تفرقه میان مسلمین نیست، بیان کرده است...^۱»

اکنون به ذکر نمونه‌هایی از کلمات

۱. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، دوازدهم، ۱۳۷۴، ص ۱۷۸.

امام علی علیه السلام کسی نبود که درباره ارزش و ضرورت وحدت و همبستگی سخن بگوید، ولی خود به دنبال آن نباشد. هیچ کس مثل علی علیه السلام در راه وحدت جامعه مسلمین تلاش و فداکاری نکرده است

این بخش را به دست استاد مرتضی مطهری رحمته الله علیه بدهیم که هم علی شناس بود و هم نهج البلاغه را سیر کرده بود. او می‌گوید:

«طبعاً هر کس می‌خواهد بداند آنچه علی علیه السلام درباره آن می‌اندیشید، آنچه علی علیه السلام نمی‌خواست آسیب ببیند، آنچه علی علیه السلام آن اندازه برایش اهمیت قائل بود که چنان رنج جانکاه را تحمل کرد، چه بود؟ حدساً باید گفت: آن چیز وحدت صفوف مسلمین و راه نیافتن تفرقه در آن است. مسلمین

آن حضرت در این زمینه می‌پردازیم:

۱. عاشق وحدت مسلمین

در بخشی از نامه‌ای که در جواب ابو موسی اشعری نگاشته و سعید بن یحیی اموی در کتاب المغازی آن را آورده، می‌فرماید: «وَلَيْسَ رَجُلٌ - فَاغْلَمَ - أَخْرَضَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَالْفَتْهَا مِنِّي أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَالِ؛^۱ این نکته را بدان که هیچ مردی از من حریص‌تر بر اتحاد و همبستگی امت محمد ﷺ نیست. از آن ثواب نیکو می‌جویم و فرجام نیک می‌طلبیم.»

۲. گذشت به خاطر وحدت

در ذی حجه سال ۲۳ هجری پس از قتل عمر در روز شورا و بیعت کردن مردم با عثمان، فرمود: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَاللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمْتَ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً الْيَتِمَاسَا لِأَجْرِ ذَلِكَ وَفَضْلِهِ؛^۲ شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم. به خدا سوگند! [به آنچه انجام داده‌اید،] گردن می‌نهم تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو به راه باشد [و از هم نپاشد] و در آن ظلمی جز بر من نیست و پاداش این گذشت و

سکوت را از خدا انتظار دارم.»

در جای دیگر فرمود: «آن‌گاه که پیامبر ﷺ به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند. سوگند به خدا! نه در فکر می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا ﷺ از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن حکومت باز دارند. تنها چیزی که نگرانم کرد، شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند. من از اول دستم را پس کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از مردم از اسلام برگشتند [و مرتد شدند] و مردم را به محو دین محمد ﷺ دعوت کردند. ترسیدم که اگر در این لحظات حساس اسلام و مسلمین را یاری نکنم، خرابی یا شکافی در اسلام بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست که

۱. نهج البلاغه، نامه ۷۸ و ر. ک: فرهنگ آفتاب،

ج ۱، ص ۸۸

۲. نهج البلاغه، خ ۷۴.

بی نهایت و گذشت بی پایان مولا را در راه وحدت و همبستگی جامعه اسلامی نشان می‌دهد.

عوامل اتحاد و همبستگی

نیاز به گفتن نیست که برای ایجاد وحدت و همبستگی در میان هر قشر و جامعه‌ای، نیاز به عوامل و حلقه‌های اتصالی است که اعضای یک جامعه و یا جوامع را مانند دانه‌های تسبیح منظم کند و به هم پیوند دهد. قطعاً در این موضوع عوامل ظاهری و صوری چون: زبان، نژاد، جغرافیا و... نمی‌توانند آن وحدت و همبستگی مورد نظر را ایجاد کنند. اگر هم در برهه‌ای ایجاد شود، دوام و استمرار نخواهد داشت و از انحرافات جدی که در جامعه مخصوصاً ایام انتخابات مشاهده می‌شود، تکیه بر ملیت و

کالای چند روزه دنیا می‌باشد...»^۱
استاد مطهری علیه السلام از ابن ابی الحدید در شرح خطبه ۱۱۹ نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمود: «وَأَيُّمُ اللَّهُ لَوْ لَأَمَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْ يَمُودَ الْكُفْرُ وَيَبُورَ الدِّينُ لَكُنَّا عَلَى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيْهِ»^۲
به خدا سوگند! اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی در دین نبود، ما با آنان به گونه دیگری رفتار می‌کردیم.»^۳

و همین طور از کلبی نقل می‌کند که علی علیه السلام در خطبه‌ای چنین فرمود: «قریش پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله حق ما را به خود اختصاص داد. «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكِ دِمَائِهِمْ وَ النَّاسِ حَدِيثُو عَهْدٍ بِالْإِسْلَامِ وَ الدِّينِ يُنَخَّضُ مَخَضَ الْوُطْبِ يُفْسِدُهُ أَدْنَى وَهْنٍ وَ يَعْكِسُهُ أَقْلُ خُلْفٍ»^۴ پس دیدم صبر از تفرقه کلمه مسلمین و ریختن خونشان بهتر است. مردم تازه مسلمان‌اند و دین مانند مشک‌ی که تکان داده می‌شود، کوچک‌ترین سستی آن را تباه می‌کند و کوچک‌ترین خلافی آن را وارونه می‌نماید.»

آنچه بیان شد، به خوبی تلاش

۱. همان، نامه ۶۲.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۳۸۶ هـ (۱۹۶۷ م)، ج ۷-۸، بخش جلد یک ص ۲۸۸.

۳. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۱۷۹.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۸.

قرآن کریم گاهی هشدار می‌دهد که اتحاد در دین را از دست ندهید؛ چنان‌که می‌فرماید: «و از مشرکان نباشید؛ از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و [عجیب اینکه] هر گروهی به آنچه نزد آنهاست، [دلبسته و] خوشحال‌اند.»^۲

در بطن اسلام، قرآن به عنوان اصلی‌ترین دستورات اسلام و نیز به عنوان مهم‌ترین عامل وحدت جامعه و اقشار مختلف آن مطرح است. خود می‌گوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۳ «همه به ریسمان الهی [قرآن و اسلام] چنگ بزنید!»

علی علیه السلام در کلمات خویش مهم‌ترین مبانی اتحاد را دین اسلام و قرآن می‌داند. یک جا می‌فرماید: «أَمَّا دِينٌ يَخْتَمُّكُمْ؟^۴ آیا دین نیست تا محور اتحادتان شود؟» و در جای دیگر

قومیت و نژاد است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ای رسول من! اگر تو بخواهی همه ذخایر زمینی را توزیع کنی تا مردم را متحد سازی، نمی‌توانی و لکن خداست که بین قلبها الفت ایجاد می‌کند.»^۱

اما عوامل معنوی به یقین در جامعه اسلامی، هم بین مذاهب مختلف و هم بین اقشار مختلف جامعه تشیع وجود دارد که اهم آنها از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام از این قرار است:

۱. دین اسلام

اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت اندیشه‌ها در جامعه اسلامی و در درون جامعه تشیع بین اقشار مختلف، مخصوصاً اندیشمندان، می‌تواند ایجاد اختلافات و شکاف کند؛ اما چنانچه این اندیشه‌ها در راستای تحقق دستورات اسلام باشد، خللی در وحدت ایشان به وجود نمی‌آورد. اگر همه تن به فرامین اسلام دهیم، هم اتحاد و وحدت بین تشیع و تسنن به وجود می‌آید و هم بین حوزه و دانشگاه و هم تمام اقشار جامعه و هم از نظر روانی راحت و آسوده خواهیم بود.

۱. انفال / ۶۳ ﴿لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَئِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ﴾.

۲. دوم / ۳۰-۳۱.

۳. آل عمران / ۱۰۳.

۴. فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادپخواه، نشر ذره، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۹۰.

می فرماید: «واقعیت جز این نیست که همگی شما بر اساس دین خدا برادرید.»^۱

بسیار دیده ایم که در یک شب تابستانی چراغ و یا لامپی در وسط حیاط یا بیابان روشن می شود و در مدت کوتاهی انواع پروانه ها و دیگر موجودات زنده دور آن جمع می شوند و در واقع مجمعی از زندگی را در اشکال متنوع تشکیل می دهند؛ اما هنگامی که آن را خاموش می کنیم، هر کدام به طرفی می روند و پراکنده می گردند. در مسائل معنوی و اجتماعی نیز همین گونه است. نور اسلام و قرآن که همان دین است، مایه وحدت، و ظلمت جهل و کفر و هواهای نفسانی موجب پراکندگی و نفاق می شود.

علی علیه السلام گاه قرآن را به عنوان اصلی ترین متن دین، رمز وحدت و همبستگی می داند و اعلام می دارد که چرا عده ای با هم اختلاف دارند؛ در حالی که: «إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَسَبُهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ

سُبْحَانَهُ دِينًا نَاقِصًا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِيْمَانِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَصَصَرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَ آدَائِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ ﴿مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...﴾^۲؛^۳

خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا کردند؟ یا خدای سبحان دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد طلبید؟ یا آنها (برخی دانشمندان) شرکای خدایند که هر چه بخواهند، در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ یا خدای سبحان دین کاملی فرستاد. پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؛ در حالی که خدای سبحان می گوید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم...»

راستی چه زیبا گفته است اقبال،
آنجا که می گوید:

۱. همان.
۲. انعام / ۳۸.
۳. نهج البلاغه، خ ۱۸.

به جای آن چیز دیگری بپذیرند و در برابر کسی که خلاف این پیمان خواهد یا آن را واگذارد، ایستادگی خواهند کرد. بعضی بعض دیگر را یاری می دهند. همه متحدند و به خاطر سرزنش سرزنش کننده‌ای یا خشم خشم گیرنده‌ای یا خوار کردن بعضی یا دشنام دادن قومی، این پیمان را نمی شکنند.»

به درستی این پیمان همچنان زنده است و امروز نیز مسلمانان و اقشار مختلف جامعه می توانند از سرزنش دشمنان و تهدید قدرت طلبان نترسند و با عمل به قرآن و محور قرار دادن آن، خود را از اختلافها و خطرهای حفظ کنند.

۲. پیامبر اکرم ﷺ

وجود پیامبر اکرم ﷺ در جامعه آن روز جاهلی، باعث اتحاد و همدلی بین آنان گشت و این امر در تاریخ به اثبات رسیده است؛ چنانکه در بخش ارزش و حدت نیز مورد اشارت قرار گرفت.

از یک آیینی مسلمان زنده است
پیکر ملت ز قرآن زنده است
ما همه خاک و دل آگاه اوست
اعتصامش کن که حبل الله اوست
چون گهر در رشته او سفته شد
ورنه مانند غبار آشفته شد

و گاه علی عليه السلام عملاً بین قبایل، دین و قرآن را محور وحدت قرار می داد؛ چنانکه در صلحی بین قبیله «ربیع» و «یمن» چنین نوشت: «این پیمان نامه‌ای است که مردم «یمن» و «ربیع» آن را پذیرفته اند؛ چه آنان که در شهر حضور دارند و چه آنان که در بیابان زندگی می کنند. **«أَتَاهُمْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ يَدْعُونَ إِلَيْهِ وَيَأْمُرُونَ بِهِ وَيَجِيبُونَ مَنْ دَعَا إِلَيْهِ وَأَمْرٌ بِهِ لَا يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا وَلَا يَرْضُونَ بِهِ بَدَلًا وَأَتَاهُمْ يَدٌ وَاحِدَةٌ عَلَى مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ وَ تَرَكَهٖ أَنْصَارًا يَغْضِبُهُمْ لِيَغْضِبَ دَعْوَتَهُمْ وَاحِدَةٌ لَا يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ لِمَعْصِيَةِ عَائِبٍ وَلَا لِعِغْضَبٍ غَائِبٍ وَلَا لِأَسْتِذْلَالِ قَوْمٍ قَوْمًا وَلَا لِمَسْبِيَةِ قَوْمٍ قَوْمًا؛** آنان پیرو قرآنند و به کتاب خدا دعوت می کنند و به انجام دستورات آن فرمان می دهند و هر کس که آنان را به کتاب خدا بخواند و فرمان دهد، پاسخ می دهند. نه برابر آن مزدی خواهند و نه

۱. همان، نامه ۷۴.

«جان دیون پورت» می نویسد: ...
محمد ﷺ یک نفر [آدم] ساده، قبایل
پراکنده، کوچک، برهنه و گرسنه کشور
خودش را تبدیل به یک جامعه فشرده
و با انضباط کرد.^۱

سرسپردگی در برابر فرامین و
سنتهای پیامبر اکرم ﷺ در آن دوران
می توانست جامعه اسلامی و افشار
مختلف آن را به همسویی و همگرایی
بکشاند. «زبیر بن عوام» با یکی از
انصار در مسئله ای اختلاف نظر پیدا
کردند. رسول خدا ﷺ حکمی کرد که
مورد قبول مرد انصاری واقع نشد.
آن گاه این آیه نازل شد: ^۲ «فَلَا وَرَبِّكَ لَا
يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا
يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ
يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛^۳ «پس به پروردگارت
قسم که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر
اینکه تو را در اختلافات خود به
داوری طلبند و سپس در دل خود از
داوری تو احساس ناراحتی نکنند و
کاملاً تسلیم آن باشند.»

علی علیه السلام وجود پیامبر اکرم ﷺ را
در زمان خودش عامل مهم ایجاد اتحاد
و همبستگی در جامعه آن زمان می داند

و می گوید: «پیامبر اکرم ﷺ آنچه را که
به او ابلاغ شد، آشکار کرد و پیامهای
پروردگارش را رساند و شکافها [ی
اجتماعی] را به وحدت اصلاح کرد و
فاصله را به هم پیوند داد و پس از آنکه
آتش دشمنی و کینه های برافروخته در
دلها راه یافته بود، میان خویشاوندان
یگانگی برقرار کرد.»^۴ و شبیه این
جملات را در بخشهای دیگر دارد.^۵
علی علیه السلام نقش وجودی پیامبر ﷺ و
سخنان او را در ایجاد همبستگی و
همدلی در طول تاریخ کارساز می داند؛
لذا در سرزنش عده ای که دست به
ایجاد اختلاف می زنند، می فرماید:
«إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ»؛^۶ خدای آنها
یکی و پیغمبرشان [هم] یکی است. [با
این حال چرا اختلاف می کنند؟]

۱. عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ترجمه سید غلام رضا سعیدی، ص ۷۷.
۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ح ۵، ص ۱۴۷.
۳. نساء / ۶۵.
۴. نهج البلاغه، خ ۲۳۱.
۵. قبلاً در بحث ارزش اتحاد، ذیل «رهاورد بعثت» بیان شد.
۶. نهج البلاغه، خ ۱۸.

می‌شود. رسول اکرم ﷺ فرمود:
 «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ»^۱ وحدت و
 اتحاد [باعث نزول] رحمت [الهی] و
 تفرقه و جدایی [موجب مشکلات و]
 عذاب است.»

و علیؑ فرمود: «الْجَمَاعَةُ بَرَکَةٌ»^۲
 اجتماع [و اتفاق] مایهٔ برکت است.»

غرض از انجمن و اجتماع جمع قواست
 چرا که قطره چو شد متصل به هم دریاست
 زقطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت
 هر آنچه نفع تصور کنی در آنجاست
 زفرد فرد محال است کارهای بزرگ
 ولی زجمع توان خواست هر چه خواهی خواست
 بدین دلیل «يُدَاللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۳ سرود
 که با جماعت دست قوی یدی طولاست^۴
 صریح‌ترین جمله از امام علیؑ

۱. منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری،
 سید حمید حسینی، چاپ دوم، ۱۳۸۲، قم، دار
 الحدیث، ص ۱۰۲، ح ۱۱۱۷.

۲. مسند الامام علیؑ، سید حسن قبانجی، دار
 الاسوة، ج ۵، ص ۴۰۴، ح ۵۹۹۳.

۳. منتخب میزان الحکمة، ص ۱۰۲، ح ۱۱۱۶.

۴. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، محمدرضا
 مهدوی کنی، ص ۶۰۶.

این نشان می‌دهد که در رسالت در
 کنار توحید محور وحدت و یگانگی
 است. آری، به قول اقبال لاهوری:

دل به محبوب مجازی بسته‌ایم
 زین جهت با یکدیگر پیوسته‌ایم

عشق او سرمایه جمعیت است
 همچو خون اندر عروق ملت است

عشق ورزی از نسب باید گذشت
 هم ز ایران و عرب باید گذشت

امت او مثل او نور حق است
 هستی ما از وجودش مشتق است

آثار وحدت

آثار و برکات وحدت بی‌شمار
 است و در اینجا به نمونه‌هایی از این
 آثار که در کلام امیر موحّدان علیؑ
 در نهج البلاغه آمده، اشاره می‌شود؛ هر
 چند آثار و پیامدهای همبستگی و
 همدلی بیش از آن است که حتی در یک
 مقاله مستقل بگنجد.

۱. ریزش فیض و رحمت الهی

اگر در جامعه همدلی به وجود
 آید، باعث ریزش رحمت الهی

اگر همه تن به فرامین
اسلام دهیم، هم اتحاد و
وحدت بین تشیع و تسنن
به وجود می آید و هم بین
حوزه و دانشگاه و هم تمام
اقشار جامعه و هم از نظر
روانی راحت و آسوده
خواهیم بود.

عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندک اند
اما با نعمت اسلام فراوان اند و با اتحاد [و
همدلی] عزیز [و قدرتمند] هستند.
و چه کسی می تواند در این دوران
انکار کند که اسلام محوری و اتحاد بر
گرد رهبری امام راحل علیه السلام چگونه ملت
مسلمان ایران و جامعه تشیع را عزتمند
و سرافراز کرد و البته همه سر بلندی از
مکتب اسلام و قرآن است.

درباره اینکه وحدت و همدلی باعث
فیض و ریزش رحمت و نعمت الهی
می شود، این جمله است: «خدای
سبحان بر این امت اسلامی، بر
«وحدت و برادری» منت گذارد که در
سایه آن زندگی کنند و «يَأْتُونَ إِلَى كَنَفِهَا
بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيسَةً
لِيَأْتَهَا أَزْجَجٌ مِنْ كُلِّ نَمَرٍ وَأَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ»^۱
در زیر سایه آن به [ناز و] نعمتی برسند
که هیچ یک از مخلوقین نتوانند ارزش
آن را بشناسند؛ زیرا از هر ارزشی گران
قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود.»

۲. عزت و سر بلندی

بر کسی پوشیده نیست که از
مهم ترین آثار وحدت در جامعه، عزت و
سر بلندی آن جامعه است، تاریخ به
اثبات رسانده که هر قوم و ملتی که
وحدت و همدلی داشته، دارای عزت و
سر بلندی بوده است.

علی علیه السلام نیز بر این اثر اتحاد
سخت پای فشرده است. در آنجا که
می فرماید: «وَالْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا
فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالإِجْتِمَاعِ»^۲

۱. همان، خ ۱۹۲.

۲. همان، خ ۱۴۶.